



تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شیرزاده

پژوهشی در نساجی ایران دوران مشروط



تصویر شماره ۲- علی اصغر اتابک

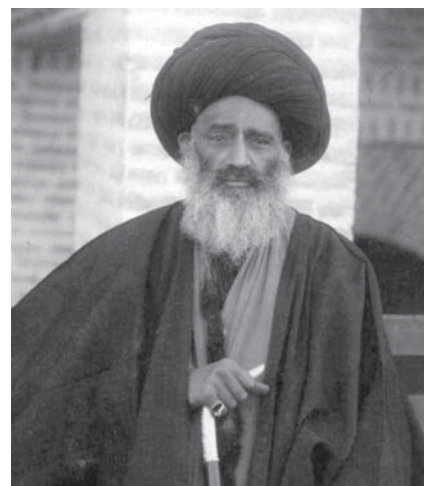
محمدحسن شیرازی» و «حاج سیدحسین کوه‌کمری» را درک کرده به مقام اجتهاد نائل شد. در حدود ۱۲۹۵ قمری به تهران مراجعت کرد و پس از فوت پدر، مقام او را احراز و با کمک هوش فطری و صراحت بیان در حوزه علمی تهران به مرور برای خود موقعیتی ایجاد کرد.

خلاف رویه

بهبهانی برای ابراز استقلال فکر و شخصیت خود گاهی برخلاف رویه جامعه روحانی گام برمی‌داشت چنان‌که در بحبوحه جدال قرارداد رژی، در مجلس دعوت سفارت عثمانی بی‌محابا در حضور روحانیون و دعوت‌شدگان، سیگار کشید و حرمت تحریم را شکست. در پاسخ اعتراض چند نفر از روحانیون به صراحت گفت: «من مجتهدم و به تکالیف شرعی خود آشنا می‌باشم.» وی صریحاً فتوا داد که قرارداد انحصار توتون و تنباکو مفید است و استعمال آن هم منع شرعی ندارد.

دوستی با اتابک

از این تاریخ، بهبهانی مورد توجه اتابک قرار گرفت و گاهی بعضی دعاوی دولتی از طرف اتابک به محض او مراجعه می‌شد. کم‌کم مناسبات دولتی او با اتابک محکم گردید و این دوستی از حیث بسط، نفوذ و گشایش‌های مادی برای بهبهانی بسیار مفید واقع شد. در مدت یک‌سال و نیم



تصویر شماره ۱- سید عبدالله بهبهانی

سید عبدالله بهبهانی فرزند سید اسماعیل مجتهد بهبهانی است. پدر سید اسماعیل -سید نصراله- در سلک روحانیون بهبهان بود ولی مقام اجتهاد نداشت. سید اسماعیل در نجف به مقام اجتهاد نائل آمد و در زمان سلطنت محمدشاه قاجار در تهران اقامت اختیار نمود. کم‌کم مورد عنایت ناصرالدین‌شاه و محل توجه مردم تهران قرار گرفت و محضر او نیز محل حل و فصل قسمتی از مراعات مردم شد.

سید اسماعیل پسران متعدد داشت که بزرگترین آنها سید عبدالله بود. وی در حدود سال ۱۲۶۰ قمری متولد شد. مبادی تحصیل و مقدمات علوم شرعی را آموخت و سپس در نجف حوزه درس روحانیون بزرگی چون «شیخ مرتضی انصاری»، «حاج میرزا

که اتابک بیکار و در قم بر ضد دولت مشغول دسیسه بود، بهبهانی برای بازگشت وی فعالیت می‌نمود. پس از بازگشت اتابک، قرضه‌ها و مسافرت‌های پرخسارت مظفرالدین‌شاه موجب شد که گروهی از وطن‌خواهان با مخالفان اتابک هماهنگ شده، تظاهراتی بر علیه او به وجود آوردند و زبان به انتقاد و اعتراض گشودند ولی اتابک مقداری از پول‌های بادآورده را به باد داد و با یاری دوستان و طرفداران خویش، مخالفان را خاموش کرد.

در تصویر شماره ۲، اتابک را در حالی که نشان‌های سلطنتی به روی سینه دارد؛ دیده می‌شود. همراه با لباس پشمی نفیس و حمایل موج‌دار صدراعظمی و کلاه قجری از جنس پشم گوسفند.



تصویر شماره ۳- عین الدوله



در تمام حوادث دوره سوم صدارت اتابک، بهبهانی در صف اول حامیان او قرار داشت و از صمیمیت با اتابک نیز بهره‌مند می‌شد. در این میان قرضه‌های پی در پی با شرایط دشواری که همه به زبان ایران بود؛ توازن سیاست خارجی را برهم زد و کشور اسیر دست روس‌ها شد. نفوذ روزافزون دولت روسیه و سیاست یک‌جانبه ایران، جمعی از مخالفان اتابک را در کار مخالفت مصمم‌تر کرد. شیخ فضل‌اله نوری و سیدمحمد طباطبایی نیز با مخالفان اتابک هماهنگ شدند.

در همین اوقات هاردینگ -وزیر مختار انگلیس- به اتفاق چرچیل -دبیر سفارت انگلیس- برحسب احضار لرد کرزون -نائب السلطنه هند- به خلیج فارس رفتند و با لرد کرزون درباره ایران مذاکراتی به عمل آورده، همراه وی به بغداد و نجف مسافرتی کرده؛ سپس به تهران بازگشتند. در راه بازگشت، مظفرالدین‌شاه را برای طرد اتابک در فشار گذاشتند. علمای نجف هم وی را تکفیر کردند. بالاخره تحریکات داخلی و خارجی شدت گرفت و منجر به استعفا و خروج اتابک از ایران گردید و عین الدوله جانشین وی شد.

عین الدوله مردی قوی و باهوش بود ولی تدبیر و مردم‌داری و بخشش اتابک را نداشت و از سرنوشت او هم تجربه نیاموخت. در سیاست خارجی به روس‌ها تمایل جست ولی در سیاست داخلی رویه‌ای خلاف اتابک پیش گرفت. تمام اطرافیان اتابک را از کارهای حساس برکنار نمود و به جای قرضه خارجی برای کمبود بودجه از وزیران، حکام و متنفذان داخلی باج و پیشکش می‌گرفت. چنان‌که صدهزار تومان از میرزا نصراله خان مشیرالدوله -وزیر خارجه-، ۳۰ هزار تومان از شوکت‌الملک -حاکم قائنات و مبالغی از نصرالسلطنه، امیرافخم همدانی و امثال اینها بابت سرقفلی مشاغلشان اخذ نمود. بدیهی است رجال و صاحبان مقام، پیشکشی‌ها و پول‌ها را از جیب مبارکشان!

تصرف مدرسه آصفیه را داشتند در اثر دفاع طلاب مدرسه محمدیه، چند نفر زخمی و مجروح به جای گذاشته و فرار کردند. معتمدالاسلام رشتی که محرک طلاب مدرسه محمدیه بود، مورد تعقیب حکومت تهران واقع شده و در منزل بهبهانی پناهنده گردید. طلاب مدرسه صدر از بهبهانی دلتنگ شدند و سید ابوالقاسم امام جمعه هم در خفا آنان را تحریک کرد. بهبهانی در مواقع مراجعت از خانه شیخ فضل‌اله نوری مورد حمله طلاب مدرسه صدر قرار گرفت. گرچه آسیبی ندید و به چابکی از معرکه گریخت ولی اطرافیان او شکایت کردند و حکومت تهران به دستور عین‌الدوله ۱۳ نفر طلبه را دستگیر و زنجیر کرده و آنان را در گاری دور شهر گردانیده در بیرون دروازه دولت به مأموران امیربهدار تحویل داده و به اردبیل تبعید کردند. (چون عدد ۱۳ نحس بود افسران امیربهدار یک طلبه بیگانه را هم بر آن جمع افزودند)

دستگیری طلاب با آن خفت در تهران ایجاد هیجانی کرد. بهبهانی برای عین الدوله پیغام فرستاد و از توهینی که به وی شده بود چشم‌پوشی کرده خلاصی طلاب را درخواست نمود اما عین‌الدوله نپذیرفت و با کمال خشونت جواب رد داده و گفت: «آقا در کار دولت حق مداخله ندارد.» عین‌الدوله با تبعید خفت‌آمیز طلاب، مخالفت خود را با روحانیون آشکار کرد، افکار عمومی را برانگیخت و این یکی از اشتباهات سیاسی وی بود.

ماجرای عکس مسیو نوز

در همین اوقات که بهبهانی برای ابراز مخالفت علنی با دولت دنبال بهانه می‌گشت، عکس مسیو نوز و همکار بلژیکی او در لباس روحانیت در تهران منتشر شد و جامعه روحانیت را عصبانی کرد. این عکس را نوز در یک مجلس بالماسکه گرفته و محض یادگار به اتابک داده بود و میرزا مصطفی آشتیانی آن را از منزل اتابک به دست آورد.

نمی‌دادند بلکه چندین برابر آن استفاده می‌بردند و صرف تحمل، املاک، اندوخته و مسافرت فرنگستان می‌کردند.

تصویر شماره ۴، عین‌الدوله را با لباس مشکی جلوباز و دکمه‌های فراوان و کلاه قجری پشمی و محاسن پرپشت نشان می‌دهد. باری عین‌الدوله همچنان که یاران و اطرافیان اتابک را طرد کرد به مجتهدانی که مورد توجه او بودند نیز بی‌اعتنا بود و رفتار غرور آمیز خود را متوجه آنان نیز می‌نمود. بهبهانی هم به دلیل دوستی با اتابک طرف بی‌مهری عین‌الدوله واقع شد، مرافعات دولتی از محضر او قطع گردید و شیخ فضل‌اله نوری که مخالف اتابک بود و از حیث مقام علمی بر اکثر روحانیون تهران برتری داشت، محل توجه عین‌الدوله واقع شده و کارهای عمده به محضر شیخ نوری یا سیدعلی اکبر تفرشی ارجاع می‌شد. بهبهانی آزاده خاطر شد به خصوص که در چند مورد عین‌الدوله مغرور به توقعات او با تندی و صراحت جواب رد داده و بر آزرده‌گی خاطر وی افزود از این رو کینه عین‌الدوله را در دل گرفت.

اختلاف آشکار

در این ایام که ابتدای صدارت عین‌الدوله بود، بین طلاب مدرسه صدر و مدرسه محمدیه (برای تصرف مدرسه آصفیه) نزاعی روی داد. طلاب مدرسه صدر که قصد

در ایام محرم ۱۳۲۳ قمری بهیمنی در منزل خود بر منبر رفت و عکس نوز را به مردم نشان داد. با قدرت بیانی که داشت از اهانت به لباس روحانیت و زیان کاری‌های نوز نسبت به اقتصاد مملکت سخن گفت و خواستار عزل نوز شد.

در اثر بیانات بهیمنی، تظاهراتی در بازار علیه نوز انجام گرفت، نوز در زمان امین‌الدوله استخدام شده و در آغاز صدارت سوم اتابک با دو نفر از همکاران خود به ایران آمده بود و در کار قرضه‌ها و حفظ منافع روسیه مدت ۶ سال نقش مهمی داشت. با این حال بهیمنی و بازرگانان طی مدت ۶ سال ابتداً به اعمال نوز اعتراضی نکرده بلکه با حمایت از اتابک و قرضه‌های او از نوز طرفداری هم کرده بودند ولی حالا موضوع نوز بهانه مخالفت با دولت برای رسیدن به اهداف بزرگ‌تر سیاسی شده بود. سفارت انگلیس که نوز را یکی از عوامل قوی پیشرفت نفوذ اقتصادی و سیاسی روسیه در ایران به حساب می‌آورد از موقعیت استفاده کرده و به تحریک مردم در مخالفت با نوز مشغول شد. نوز ناچار چندماه به عنوان مرخصی به اروپا رفت.

پیمان همکاری

در سال ۱۳۲۳ قمری، مسافرت سوم مظفرالدین شاه به فرنگستان آغاز گردید. سفری پرضرر و بی‌ثمر. عین‌الدوله هم در این سفر همراه شاه بود. محمد علی میرزا ولیعهد که برای تصدی امور به تهران آمده بود به منزل بهیمنی رفت و با تقدیم مبلغی پول از او خواست که تا مراجعت شاه آرامش پایتخت را بهم نهد. همین‌طور هم شد. در غیاب شاه به جز تحصن بازرگانان در حرم حضرت عبدالعظیم علیه نوز، حادثه مهم دیگری در پایتخت روی نداد. این حادثه هم با سعی ولیعهد خاتمه پذیرفت..

در همان سال، شاه، عین‌الدوله و همراهان به پایتخت بازگشتند. بهیمنی از این تاریخ با عزمی راسخ شروع به کار کرد و به وسیله معتمدالاسلام و میرزا مصطفی آشتیانی،

عده‌ای از روحانیون را برای مخالفت با دولت به همکاری دعوت نمود اما کمتر جواب مساعد شنید. در این میان سید محمد طباطبایی با او موافقت کرد مشروط بر این‌که غرض شخصی در کار نباشد.

طباطبایی معتقد بود که عزل عین‌الدوله و نوز مطلب کوچکی است. باید هدف را بزرگ‌تر کنند و کم‌کم عدالتخانه بخواهند و نمایندگان ملت را برای نظارت در اعمال دولت به عدالتخانه بفرستند. بهیمنی به منزل طباطبایی رفت و هم‌پیمان شدند و هدف را عزل عین‌الدوله و تأسیس عدالتخانه قرار دادند. از این پس انتقاد از دولت علنی شد. بهیمنی و طباطبایی بی‌پروا مطالبی برای بیداری افکار مردم به زبان می‌آوردند و واعظانی چون شیخ‌الرئیس قاجار، سلطان المحققین، بهاء‌الواعظین، سیدجمال‌الدین و ملک‌المتکلمین بر منبرها داد سخن داده و موضوع آزادی، عدالت و قانون را مطرح و کوشش می‌کردند که افکار عمومی را برانگیزند. مخالفان دولت و طرفداران اتابک و جمعی از بازرگانان، پنهان و آشکار به یاری بهیمنی و طباطبایی برخاستند و کمک‌های مادی و معنوی در این راه به آنان می‌رسید. دولت انگلیس هم که پس از فراغت از جنگ‌های آفریقا درصدد تغییر وضع حکومت ایران و به دست آوردن مقام مقدم در سیاست این کشور بود از حوادث مذکور استفاده کرده به تقویت و تحریک مخالفان پرداخت. عامل آن سفارت با چند نفر از سران مشروطه‌خواهان تماس‌های گرفته و پیشنهاد و اطمینان دادند که در راه تحصیل آزادی و دگرگونی حکومت از کمک‌های مادی و معنوی تا موفقیت نهایی دریغ نخواهند کرد. این تماس‌ها و قول و قرارها موجب تحریک و تشجیع مخالفان دولت شد. سفارت عثمانی هم کمک‌هایی کرد و در نتیجه تشکیلات مخالفان به رهبری بهیمنی و طباطبایی نیرومند گردید.

مهاجرت و تحصن در سفارت

چندماه گذشت و از تأسیس عدالتخانه خبری

نشد. به دنبال سخنرانی شیخ محمد سلطان المحققین علیه عین‌الدوله، موضوع دستگیری او، زد و خورد طلاب و سربازان، قتل سیدعبدالحمید طلبه، تظاهرات مردم و تیراندازی سربازان، تحصن بازرگانان به دستور بهیمنی و بالاخره هیجان عمومی در شهرها به خصوص اصفهان و تبریز، شاه مجبور به عزل عین‌الدوله و صدور فرمان مشروطه شد.

مجلس اول و مراجعه اتابک

در انتخابات دوره اول که صنفی بود، سیدعبداله به نمایندگی اقلیت یهود روانه مجلس شد. با افتتاح مجلس و استقرار مشروطه، بهیمنی به اوج قدرت و جلال رسید و برای خود در دزاشوب تشکیلاتی داشت. بسیاری از کارهای کشور در منزل بهیمنی حل و فصل می‌شد.

اغلب نمایندگان مجلس تحت نفوذ و تأثیر کلام او بودند. موافقت یا مخالفت او برای ثبات یا تزلزل دولت‌ها کافی بود. مجلس اول با کمک او مسیو نوز را که عامل روس‌ها و دشمن انگلیس‌ها بود، عزل کرد. هم این مجلس جلوی قرضه خارجی را گرفت و طرح تأسیس بانک ملی را پیشنهاد نمود. بودجه کشور را براساس موازنه صحیح تنظیم کرد و وزیران را به تمکین و قبول مسئولیت در برابر مجلس وادار نمود. ارکان استبداد را متزلزل کرد و قدرت حکام را در هم شکست ولی غرض و بی‌خبری و قدرت طلبی سران مجلس و خوی استبدادی رجال با تحریکات خارجی همراه گردید و مانع از آن شد که حکومت مشروطه رشد کند. شاید ۲۰ نفر افراد مطلع به سیاست و مقتضیات زمان و با خبر از اصول اقتصادی و نظامات جدید مالیاتی و اداری در مجلس نداشتیم به همین دلیل و با توجه به اغراض تندروها، مجلس به‌عنوان شالوده حکومت ملی براساس صحیح گذاشته نشد و هر ج و مرج طلبان استفاده‌جو در صف آزادی‌خواهان درآمدند و در هر سو انجمنی تشکیل دادند. آنان به دنبال سوءاستفاده



به سبب نقاشی با قلم بوده است. این تولید جای حرکت انگلیسی‌ها را در صنعت پنبه جبران نمود.

ترور اتابک

اتابک در تلاش برای بهبود اوضاع نابسامان ایران شود که نقشه قتل او طرح گردید. در تاریخ ۲۹ مرداد سال ۱۲۸۶، اتابک نامه تهدید آمیزی دریافت کرد که بایستی در طی ده روز آینده استعفا داده و از کشور خارج شود. اتابک نامه استعفا را به شاه تقدیم کرد ولی استعفایش پذیرفته نشد. روز شنبه ۸ شهریور سال ۱۲۸۶، جلسه علنی مجلس به ریاست صنایع‌الدوله هنگام بعدازظهر تشکیل شد. اتابک و اعضای کابینه نیز در جلسه حضور یافتند. اتابک نخست میرزا محمود علاالملک را به سمت وزیر عدلیه و میرزا حسن خان مستوفی الممالک را به سمت وزیر جنگ معرفی نمود. آنگاه گزارش مفصلی از اوضاع و احوال کشور به اطلاع مجلس رسانید و پیام محمدعلی شاه را در باب اتمام قانون اساسی به نمایندگان ابلاغ کرد و افزود با کمک نمایندگان بزودی مشکلات برطرف خواهد شد و نظم و ترتیب در مملکت حکمفرما خواهد گردید.

پس از نطق اتابک چند نفر از نمایندگان سخنان تملق آمیزی ایراد کردند. به خصوص عبدالله بهبهانی که تمجید فراوانی نمود. پس از ختم جلسه، اتابک و بهبهانی مدتی در یکی از اتاق‌های مجلس به مذاکره نشستند و بقیه نمایندگان به کارهای خود مشغول شدند.

۲ ساعت از شب گذشته بود، که بهبهانی و اتابک از مجلس و صحن بهارستان خارج شدند و در حالی که گرم صحبت بودند، در مقابل مجلس ۳ گلوله به سوی اتابک شلیک شد. اتابک فرو غلتید و در دم جان سپرد.

وی در نهایت در ایام نخست‌وزیری در دوره محمد علی شاه در صحن بهارستان با ضرب گلوله عباس صراف تبریزی به قتل رسید.

مردم سرگرم مباحثه و جدل در راه آزادی و تشکیل مجلس قانون‌گذاری و مشروطه بودند. عده‌ای برای آن‌که خود را در دسته فعالان و سخنوران جای دهند و به اصطلاح خودی نشان دهند در تکاپوی تهیه البسه فاخر بودندو خارجی‌ها هم بیکار نشستند و با واردات پارچه‌های فاستونی و رنگارنگ با طرح‌های متنوع بازار را در دست گرفتند و ثروت ایرانیان را چپاول می‌کردند.

نساجان، هنرمندان و کارگران ایران مات و مبهوت شده و سرگردان بودند. از یک‌طرف نداشتن سرمایه کافی و از طرف دیگر رقیبان سرسخت خارجی تولید را سخت می‌کرد اما مردان غیور و از جان گذشته در بین نساجان پیدا شده و با فداکاری خود و ابتکارات نوظهور و خدادادی با اتکا به سابقه چندین هزار ساله در صنعت نساجی به تولید محصولات جدید پرداختند. آنان با به‌کارگیری نقوش گل و بته، راه‌راه، کج‌راه و چهارخانه و الوان جدید و انواع پارچه‌های نفیس تلاش می‌کردند بازار خود را احیا نمایند. برای اجتماع دسته‌های مشروطه‌خواه در منازل خود نیز مجالسی تشکیل دادند و برای این‌که منازل آنها جلوه بیشتری داشته باشد از قالی‌های جدید ابریشمی و پشمی و پرده‌های مخمل و حریرهای مصور روز در میهمانخانه‌های خود استفاده نمودند و به این ترتیب چرخ‌های صنعت نساجی را به گردش درآوردند.

صنعت پارچه بافی با استفاده از پنبه، کنف و کتان که توسط انگلیسی‌ها با آوردن پارچه‌های هندی رو به کساد و نابودی می‌رفت، هنرمندان و صنعتگران مصرف‌کننده و تولیدکننده پارچه‌های پنبه به فکر استفاده از صنعت قلمکاری افتادند. قلم‌کاری یکی از هنرهای صناعی با قدمت چندصد ساله است که امروزه در تولید این پارچه و انتقال رنگ به وسیله قالب قلمکار به روی پارچه صورت می‌گیرد اما در گذشته این کار را با قلم‌مو و رنگ‌های گیاهی انجام می‌دادند. وجه تسمیه آن نیز دقیقاً

و ایجاد اغتشاش افتادند. سخنرانان و روزنامه‌نویسان از هیچ‌گونه اهانتی به شاه و دیگران فروگذار نمی‌کردند و همه در پناه حمایت مجلس بودند! شاه هم به همین مناسبت متمم قانون اساسی را گرو کشیده و مشیرالدوله را عزل کرد و اتابک را برای تصدی دولت به ایران خواست.

اتابک از طریق روسیه با کشتی جنگی دولت روس و تشریفات رسمی وارد بندر انزلی شد. مجاهدان انزلی می‌خواستند از ورود او جلوگیری کنند ولی اتابک مجاهدان را به حفظ مشروطه و تقویت مجلس اطمینان داد. در مجلس و انجمن‌ها علیه او تظاهراتی شد مخصوصاً تقی‌زاده و نواب در اعتراض علیه اتابک که دوست دیرین روسیه و سد پیشرفت نفوذ انگلیس بود، جوش و خروش زیاد نشان می‌دادند. بهبهانی در مجلس گفت: «آمدن اتابک خطری ندارد و اگر ایجاد خطری کرد، جلوی او را می‌گیریم». طباطبایی نیز معتقد بود که «با ورود اتابک باید گفت فعلی الايران السلام»

باری اتابک وارد تهران شد و پس از اطمینان از حمایت شاه نسبت به مشروطه در مجلس حضور یافت و هیئت دولت را معرفی کرد و برای صیانت مشروطه و مجلس سوگند یاد نمود.

در آن ایام اوضاع کشور بسیار آشفته بود. فقر و بی‌پولی کارها را فلج کرد و در اکثر شهرها، ناامنی و اغتشاش حکمفرما بود. گروهی از ستم‌دیدگان شیراز از تعدیات بی‌رحمانه قوام الملک و فرزندش در مجلس متحصن بودند. گروهی از مردم اراک هم از مظالم حاج آقا محسن اراکی به ستوه آمده و به مجلس پناهنده شدند. انجمن‌های ملی تصویب متمم قانون اساسی و نظام‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را بهانه کرده به تظاهرات و آشوب‌گری افزوده بودند. سالارالدوله به دعوی سلطنت در لرستان قیام کرد و بیشتر شهرها دستخوش اغتشاش بود.

در حالی‌که اروپا به سوی صنعتی شدن و ترقی و تعالی حرکت می‌کرد در ایران